God will help me to become successful

* By a stream: کنار نهر – رود
* Bond with each other
* Lay down strict rules
* The rules laid by the government
* Then I happened to watch a TV series: بعدا اتفاقی یک سریال تلویزیونی تماشا کردم.
* Impetus: انگیزه
* Disgusted: منزجر، متنفر
* It would give nausea to someone.
* It makes me feel disgusted
* Idolize: بت ساختن ، دوست داشتن
* Internet surfing: جستجو در اینترنت
* Sedentary live: زندگی بی تحرک
* Multi-specialty hospital: بیمارستان چند تخصصی
* Ailments: بیماری ها
* In the habit of checking the weather forecast: عادت به چک کردن پیش بینی اب و هوا
* Go up: بالا رفتن، افزایش داشتن
* Abide by the law in the name of God: به نام خدا از قانون پیروی کنید
* Abide by the law: رعایت قانون
* Law implementation
* Solitude: تنهایی
* It has been well said that: به خوبی گفته شده است که
* Mindful: متفکر
* Inquisitive
* Sb. get transferred to
* Coincidently
* Vanish <-> disappeared
* Awe: ترساندن
* Volleyball court: زمین بازی والیبال
* Overhead expenses: هزینه های سربار
* Taking the financial burden off their parents` shoulder: برداشتن بار مالی از روی دوش والدین
* I am in dire need of money: نیاز وخیم به پول دارم
* Racism: نژادپرستی
* Lithe and agile: لاغر اندام و چابک
* Greet: سلام و احوال پرسی کردم
* We live in a time where 🡪 برای لغت time از where استفاده کرده است
* Cram: چپاندن ، پر کردن
* Show off: پز دادن، خودنمایی کردن
* Tremendously: ترسناکانه، زیاد
* Excavate: حفاری کردن
* Upkeep: نگهداری کردن، مرمت
* Fall into vice: به گناه افتادن
* Monetary: پولی، مالی
* Monetarily: به صورت مالی
* I am a kind of person who usually does not like to complain a lot.
* you’re not sure of the answer
* create changes
* draw a line on your needs: روی نیازهای خود خط کشیدن
* attrition: فرسایش، کاهش توان
* monetary incentive: مشوق مالی
* spend their allowance: خرج کردن پول توی جیبی
* honorable: محترم ، ابرومند
* make arrangement
* dire: وخیم
* Strike up a conversation: شروع به مکالمه کردن
* We are bound to be stressed: ما ناگزیر هستیم که تحت فشار یا استرس باشیم
* 7 out of 10 men: 7 نفر از 10 مرد
* We made a team of 10: ما یک تیم 10 نفره ساختیم
* We all pooled in money: همه پولمان را روی هم گذاشتیم
* Get free time: زمان ازاد به دست اوردن
* On the contrary: بر عکس
* People are finding it very hard to find time for their loved ones.
* The first and foremost reason is that
* Training institution by the name of: موسسه اموزشی به نام
* Take part in: شرکت کردن در
* Do commerce: تجارت کردن
* Besides parents: به جز والدین